

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی

دوره ۸، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹

ص ص: ۱۶۸-۱۵۳

شناسایی راهبردهای مؤثر بر دیپلماسی عمومی ایران از طریق ورزش و پیامدهای آن

مریم حسینی عسگرآبادی^۱ - صدیقه حیدری نژاد^{۲*} - فرشاد رومی^۳ - سیدحسین مرعشیان^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ۲. استاد، دانشکده

علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ۳. استادیار، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید

چمران اهواز، اهواز، ایران. ۴. استادیار، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳)

چکیده

امروزه ورزش ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به موضوع روابط بین‌المللی تبدیل شده است. از این رو این پژوهش با هدف شناسایی راهبردهای مؤثر بر دیپلماسی عمومی ایران از طریق ورزش و پیامدهای آن انجام گرفته است. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی انجام گرفته است و داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. جامعه آماری افراد متخصص و خبره در زمینه دیپلماسی عمومی و ورزش شامل استادان مدیریت ورزشی (۸ نفر)، استادان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی (۳ نفر)، مقامات عالی‌رتبه ورزش کشور (۳ نفر) و ورزشکاران نخبه (۳ نفر) بودند. روش انتخاب نمونه به شیوه هدفمند بود. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت مطالعه پژوهش‌های پیشین و مصاحبه عمیق و باز بود. برای سنجش اعتبار، انتقال و تأییدپذیری، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه شدند؛ آنها متن نظریه را مطالعه کردند و نظرهای آنها اعمال شد. روش استفاده‌شده برای قابلیت اعتماد، روش توافق درون‌موضوعی بود. میانگین میزان توافق درون‌موضوعی برابر ۰/۷۳ گزارش شد. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مهم‌ترین راهبردهای مؤثر بر نقش ورزش در تبیین دیپلماسی عمومی ایران عبارت‌اند از: توانمندسازی، شبکه‌های ارتباطی و پیشران‌های عمومی. در نهایت پیامدهای نقش ورزش در تبیین دیپلماسی عمومی ایران شامل کارکرد اقتصادی، کارکرد فرهنگی، کارکرد سیاسی، توسعه اجتماعی هستند. از این رو به مدیران توصیه می‌شود تا از ورزش به عنوان ابزاری کلیدی و راهبردی برای افزایش روابط و کسب قدرت، شکوفایی اقتصادی، تقویت توسعه و ترویج سیاست‌های فرهنگی در سطح بین‌الملل استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی

ایران، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، ورزش.

مقدمه

امروزه قدرت نرم از مطلوبیت‌های نظام‌های سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل است که موجب پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی تحت عنوان دیپلماسی عمومی در تبادلات بین‌المللی شده است (۳). عبارت دیپلماسی عمومی در حوزه مطالعات بین‌الملل اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ اغلب برای توصیف جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۵۶ در آمریکا توسط آدموند گولین^۱ رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر^۲ در دانشگاه تافتز^۳ به کار گرفته شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی (۸). دیپلماسی عمومی تعبیری است که به دلیل جهانی شدن وضعیت قدرت و به دنبال پررنگ تر شدن نقش سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های ملی حقوق بشر، انجمن‌های دانشگاهی، گروه‌های تجاری و مذهبی ظهور پیدا کرد.

کارشناسان مسائل بین‌المللی دنیای امروز بر این عقیده‌اند که امروز تمامی کشورها به ناچار با قدرت نرم و به کارگیری روش‌هایی که ذهنیت‌ها و نگرش‌ها را تغییر می‌دهد، مواجه‌اند (۲۰). در این میان تحولات رسانه‌ای جدید و جهانی شدن ساختار نگرهبانی وزارت خارجه را با چالش جدی مواجه کرده است و وزرای خارجه به تنهایی نمی‌توانند در سیاست‌های خارجی یک کشور تصمیم‌گیرنده باشند؛ سیاست خارجی امروزه به دامنه وسیعی از بازیگران بین‌المللی غیردولتی وابسته است؛ از این رو بازیگران اصلی بین‌المللی در وزارت خارجه حجم وسیعی از برنامه‌های خود را در بخش دیپلماسی عمومی و از طریق مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، شخصیت‌های برجسته فکری، هنرمندان، ورزشکاران و ... پیگیری می‌کنند (۲۲).

دیپلماسی عمومی شامل برنامه‌های دولت در زمینه‌های فرهنگ، علوم، آموزش و اطلاع‌رسانی برای تأثیرگذاری به منظور وصول به نتیجه دلخواه است که مستقیماً با اهداف سیاست خارجی یک کشور مرتبط است (۱۱). دیپلماسی عمومی تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل است که فراتر از دیپلماسی سنتی عمل می‌کند و عواملی مانند شکل‌دهی به افکار عمومی در سایر کشورها، تأمل میان منافع گروه‌های خصوصی در کشوری دیگر، برقراری ارتباط میان ارتباطات گران مانند دیپلمات‌ها و فرستادگان به خارج و بالاخره فرایندهای ارتباطات میان فرهنگی از جمله عناصر این دیپلماسی‌اند (۳). دیپلماسی عمومی به سه سطح تقسیم می‌شود: ارتباطات روزانه^۴ که چارچوب و زمینه تصمیم‌سازی سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. دومین سطح دیپلماسی، روابط راهبردی^۵ است در این سطح پیام‌های راهبردی از طریق ابزار رسانه‌ای به مخاطبان خارجی انتقال داده می‌شود. سومین سطح دیپلماسی عمومی، گسترش روابط بلندمدت^۶ با افراد کلیدی از راه اعطای بورس تحصیلی، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، آموزش، برگزاری همایش‌ها و دسترسی به مجاری ارتباطی است (۲۱). هدف دیپلماسی عمومی ترویج درک متقابل تبادل ایده‌ها، اطلاعات، ورزش، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگی در میان ملت‌ها و مردمان است (۹).

با توجه به تعاریف ارائه‌شده از دیپلماسی عمومی، ورزش و رویدادهای بین‌المللی از عرصه‌های تحقق این دیپلماسی تلقی می‌شود. در واقع، ورزش ارتباط نزدیکی با مسائل سیاسی پیدا کرده و به موضوع روابط بین‌المللی تبدیل شده است. کارکردهای بین‌المللی ورزش، به عنوان قدرتی نرم آن را به ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی

4. Daily Communications
5. Strategic Relations
6. Long-Term Relations

1. Edmund Gullion
2. Fletcher
3. Tufts University

عمومی تبدیل کرده است (۷). اگرچه ورزش - دیپلماسی در سال‌های اخیر به‌عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد بازمی‌گردد. طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش‌بس المپیک» یا همان اکچیریا توسط پادشاهان آن زمان امضا شد (۱۴). آنها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآورند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (۴).

امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. ورزش بین‌الملل با سازوکارها و نهادهای بزرگ خود از جمله کمیته بین‌المللی المپیک (۲۱۱ عضو) و فیفا (۲۰۶ عضو) توانسته است حتی از سازمان ملل متحد (۱۹۳ عضو) نیز پیشی بگیرد و موفقیت یک کشور در این رویدادها با اعتبار جهانی همراه باشد (۲۵). رویدادهای ورزشی به‌طور کلی و ورزش‌های بین‌المللی به‌طور خاص در چارچوب راهبردهای گسترده مدیریت افکار عمومی توسط دولت‌ها نقش مهمی در تقویت قدرت نرم نهفته‌شده در ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست دارد. رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی فرصت‌های گسترده‌ای برای تحقق اهداف دیپلماسی عمومی کشورها ارائه می‌کند. این رویدادها ورزشی توجه تعداد زیادی از مردم در کشورهای مختلف را به خود جلب می‌کند و پیام ساده و به‌شدت نمادین ارتباط این رویدادها با مسائل سیاسی بین‌المللی را به آنها می‌رساند. این رویدادهای ورزشی از طریق عناصر ناسیونالیستی مشهود (پرچم، یونیفرم‌های ورزشی و موارد مشابه آنها) و نیز از طریق فراهم کردن فرصت مشابه برای تبلیغات و تحلیل‌گران به‌منظور آزمودن دستاوردهای فردی

یا تیمی برای آزمون‌های شخصی، اراده و دستاورد ملی، عرصه نمایش بزرگ برای رهبران سیاسی به‌منظور رقابت‌های جهانی فراهم می‌کند. توسل به ورزش‌های بزرگ بین‌المللی برای اعمال دیپلماسی عمومی در توانایی این رویدادها برای جلب توجه جهانی نهفته است (۱۰).

چهار دلیل برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل وجود دارد: ۱. ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد؛ ۲. رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌کنند. میزبانی یک رویداد بین‌المللی دلیلی بر تأیید شهروندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور است؛ ۳. سومین دلیل این است که دولت‌ها دیگر به ورزش دید پدیده‌ای اضافه و مکان بکر را ندارند؛ ۴. تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آنها مسیرهای جایگزین را برای گفت‌وگو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد می‌کنند و در مواردی ابزاری برای تحرک یا تنبیه یک ملت هستند (۱۳).

ظاهراً ورزش امری غیرسیاسی است، اما کارکردهای بسیار سیاسی از خود برجای می‌گذارد. برخی ورزش را میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌دانند که مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی شمی‌شوند و از طریق رقابت و خشونت خود را تخلیه می‌کنند. برخی دیگر تقویت وحدت ملی، ثبات اجتماعی و ارزش‌های جامعه را با هدف انتقال به نسل‌های بعد را از دیگر کارکردهای ورزش می‌دانند. اما فارغ از نگاه جامعه‌شناسانه، نقش اولیه ورزش در عرصه سیاست بین‌الملل، می‌تواند فرایند دیپلماسی عمومی باشد (۲۴).

ورزش نمونه مطالعاتی مهمی برای جامعه جهانی امروز به‌شمار می‌رود؛ از یک سو نقش آن در تحکیم روابط میان

کشورها و از سوی دیگر نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر موجب شده است تا امروزه پژوهشگران از ورزش به عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان یاد کنند (۵).

ورزش کیفیتی بی‌حدومرز دارد و تمامی حکومت‌ها به آن علاقه‌مندند؛ در حالی که ژرمن‌ها، ایالت متحده و ژاپنی‌ها رهبران این حوزه‌اند، سایر کشورها سعی می‌کنند تا از آنان پیروی کنند. دیپلماسی ورزش به فهم بهتر روابط بین‌الملل و دوستی کمک می‌کند و کلیشه و تعصب را از بین می‌برد. ورزش ابزاری کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (۲۰). دنیای امروز از ورزش و به‌ویژه ورزش حرفه‌ای به عنوان پدیده‌ای در جهت تغییر محیط سیاسی و اقتصادی یاد می‌کند (۱۵).

یکی از شیوه‌هایی که سیاست‌مداران و دولت‌مردان با بهره‌گیری از آن در عرصه بین‌الملل و جهانی، به عنوان یکی از ابزار دیپلماسی عمومی سعی در مثبت نشان دادن چهره کشور خود از آن کمک می‌گیرند، استفاده از قهرمانان و نخبگان ورزشی آن کشور است. ورزش می‌تواند ابزار نرمی برای دنبال کردن سیاست‌های کشورها باشد (۲۳). با توجه به توضیحات مذکور می‌توان گفت ارتباط بین دیپلماسی و ورزش متقابل است، هم دیپلماسی در مدیریت ورزشی، برگزاری مسابقات جهانی، کسب میزبانی، شرکت در مسابقات و... تأثیرگذار است و هم ورزش در پیشبرد دیپلماسی کشورهای مختلف از طریق ورزش، با شرکت کردن یا نکردن در مسابقات ورزشی (مانند تحریم المپیک) یا مسابقه دادن یا اجتناب از رقابت با ورزشکاران کشورهای دیگر برخی خواسته‌های سیاسی خود را به نمایش درمی‌آورند (۱).

در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است. از جمله مارلین^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی ساختار و فرایند آغازین دیپلماسی ورزشی» به این نتیجه رسیدند که ورزش و رویدادهای ورزشی نقش مهمی در تقویت و توسعه روابط دیپلماتیک بین کشورها و ایجاد صلح در جهان ایفا می‌کند (۱۶). مین و چوی (۲۰۱۹) در تحقیق خود با عنوان «همکاری‌های ورزشی بین دو کره؛ و نقش بیش از اندازه دیپلماسی ورزشی در کره جنوبی»، به این نتیجه رسیدند که استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک بین کشورهای کره شمالی و کره جنوبی در حال گسترش است و از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، مبادلات ورزشی بین دو کره، بیشتر به عاملی اجتماعی برای همکاری‌های سیاسی شبیه بوده است (۱۹). فولرتون و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به خروجی‌های دیپلماتیک؛ با ارائه یک مدل دیپلماسی ورزشی»، به این نتیجه دست یافتند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشوری باشد، خروجی‌های آن می‌تواند همراهی خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر اهداف سیاسی هر کشور باشد (۱۲).

یافته‌های پژوهش میشل^۴ (۲۰۱۷) با عنوان «دیپلماسی ورزش نروژ» نشان داد که کشور نروژ با وجود داشتن دارایی‌های نسبتاً محدود از لحاظ قدرت نرم و یک جمعیت کوچک، موفق به ایجاد نام تجاری بین‌المللی شده است. نروژ استراتژی دیپلماسی عمومی را که در حال حاضر عمدتاً بر ترویج صلح، ارزش‌های دموکراتیک، زندگی پایدار و منابع طبیعی نروژی تمرکز دارد، تنظیم کرد. دیپلماسی

فعالیت‌های دانشگاه‌ها و... به توسعه فعالیت‌های دیپلماسی در حوزه ورزش بپردازد (۱).

راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۸) نیز به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی دیپلماسی ورزشی پرداختند (۲). با وجود این کماکان بررسی دیپلماسی عمومی از طریق ورزش مورد کم‌لطفی پژوهشگران واقع شده است. امروزه نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی فرا رفته و کارکردهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. ورزش به‌طور گسترده در سراسر جهان رواج یافته و اسناد بین‌المللی جدید نیز به ورزش توجه زیادی کرده‌اند. بین‌المللی شدن بسیاری از ورزش‌ها موجب شده تا کشورها به رقابت ورزشی بین‌المللی، به‌عنوان میدانی برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه کنند (۷).

استفاده از فعالیت‌های ورزشی در بعد سیاسی چه قبل و چه پس از انقلاب شکلی منفعلانه داشته و در حقیقت پیچیدگی سیاست خارجی ما موجبات قربانی شدن دیپلماسی عمومی به شکل عام و دیپلماسی ورزش به شکل خاص در عرصه بین‌الملل شده است. از سوی دیگر کمبود نمایندگان ایرانی در کرسی‌های اثرگذار بین‌المللی ورزشی ضعف بزرگی برای ورزش کشور محسوب می‌شود. درحالی‌که نگاه کشورهای پیشرفته دنیا و هزینه‌های کلان آنها برای کسب این کرسی‌ها و میزبانی رقابت‌های بین‌المللی ناباورانه است. با اینکه کشور ما در بسیاری از رشته‌ها ورزشی صاحب سبک است، اما صاحب کرسی مؤثر نیست. نماینده‌های ورزشی به‌عنوان دیپلمات‌های یک کشور می‌توانند نقش سازنده‌ای در روابط بین‌المللی بین دو کشور بازی کنند. امروزه با توجه به مشکلات مختلف کشور، تصاحب کرسی‌های ورزشی می‌تواند یکی از گزینه‌های رفع

ورزشی، زیرمجموعه دیپلماسی عمومی است که کشور نیرو از طریق توسعه ورزشی، برگزاری مسابقات ورزشی و حفظ برتری در ورزش‌های بین‌المللی سبب توسعه دیپلماسی عمومی شده است (۱۷). میلیمو^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «نقش روابط دوجانبه ورزشی در روابط بین‌الملل آفریقا: کنیا»، نشان داد که دیپلماسی ورزشی می‌تواند در دستیابی به منافع ملی استفاده شود و به‌عنوان بخشی از ایجاد هویت برای یک کشور شناخته شود؛ در این صورت مفهوم سفیران ورزشی مشخص شد. این مطالعه همچنین نشان داد که تصویرسازی استراتژی مؤثری برای جذب سرمایه‌گذاران است که در مراحل اولیه تصمیم‌گیری قرار دارند و در همان حال موقعیت کنیا رهبر منطقه‌ای است. این مطالعه توصیه می‌کند که دولت برای ادامه اعمال مبارزات انتخاباتی کنیا به‌منظور استفاده از دیپلماسی ورزشی در راستای منافع ملی در آفریقا و در سطح جهانی اقدام کند (۱۸). همچنین موری و پیگمن (۲۰۱۴) در پژوهشی مروری با عنوان «ورزش بین‌الملل و بعد عمومی دیپلماسی؛ دولت‌ها، فدراسیون‌های ورزشی و جامعه جهانی»، ضمن بررسی مفهوم رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک از زمان المپیک باستان، از تیم‌های حاضر در این رویدادها به‌عنوان نماینده همه مردم و دولت‌ها یاد کرده است (۲۰).

بخشی چناری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که وجود نهاد منسجم عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت امور خارجه به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تعیین هدف در این حوزه، تعاملات آکادمیک، افزایش

این مشکلات باشد و نقش مهمی در افزایش جایگاه ایران در سطح بین الملل داشته باشد. کسب کرسی در رشته های ورزشی نیازمند یک عزم ملی است که فراتر از توان فدراسیون های هر رشته است. در واقع این چیزی است که کمیته المپیک و روابط بین الملل وزارت ورزش باید روی آنها برنامه ریزی و تلاش کنند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از حکومت های مردم سالار جهان که همواره طی سال های پس از انقلاب مورد اتهامات و تحریم های ناروا قرار گرفته است، می تواند از ورزش به منظور بهبود و تقویت تصویر خود در عرصه بین الملل در کنار سایر کارکردهای ورزش در این حوزه مانند کسب برندینگ و پرستیژ بین المللی، معرفی خود به عنوان کشوری صلح دوست و مخالف با نژادپرستی، مبارزه با فقر و بیماری، تعامل و تبادلات فرهنگی، جلوگیری و کاهش انزوای سیاسی و تحریم ها، توسعه اقتصادی مانند بهبود وضعیت گردشگری ورزشی و افزایش حمایت از ورزش و تبلیغات آن، افزایش هویت، غرور و انسجام ملی استفاده کند. به همین منظور زمان مناسبی است تا از قابلیت موجود در فعالیتهای ورزشی در راستای بهبود دیپلماسی عمومی استفاده شود. توجه به این مسئله موجب بهبود ورزش، فرهنگ، جنبه های مثبت اجتماعی و بهبود روابط به کمک ورزش خواهد شد.

پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، سیاستمداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ما همچنان ادراک ورزشی مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به طور کلی سازمان های ورزشی ما ندارند. هنوز به رغم استفاده ابزاری و غیرمستقیم سایر کشورها از ورزشی برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی، این موضوع در دستگاه دیپلماتیک ما همچنان عقیق مانده است. از یک سو نبود ارتباط میان دو بخش روابط بین الملل و از سوی دیگر دید «حیات خلوت» به ورزش در بین

تصمیم گیران حوزه دیپلماتیک کشور موجب از دست رفتن فرصت های کم هزینه دیپلماتیک می شود. متأسفانه به دلیل عدم ارتباط بخش دیپلماسی و سیاسی با بخش ورزش هیچ وقت از این فرصت ها استفاده نشده است. هنوز سیاستمداران ما باوری از جایگاه ورزش در کشور نداشته و بسیاری از آنها از ورزش اطلاعات کاملی ندارند.

اکنون جمهوری اسلامی ایران بازیگری مهم در پهنه منطقه است که در معادلات جهانی نمی توان نقش مهم آن را نادیده گرفت. بی شک ایران در تاریخ دیپلماسی طولانی خود با مشکلات زیادی روبه رو بوده است (۶). حال با توجه به مطالب مذکور و نقش پررنگ ورزش از یک سو، برای مثال المپیک ۲۰۱۲ لندن را می توان تاریخ سازترین این بازی ها برای ورزشکاران ایرانی نامید، جایی که کاروان ایران برای اولین بار با کسب ۶ طلا، ۶ نقره و ۱ برنز بالاتر از کشورهای اسپانیا، برزیل، کانادا و سوئیس در رده هفدهم جهان قرار گرفت. همچنین حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام های جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ روسیه موجب تقویت پرستیژ بین المللی ایران شد. برای نمونه بازی ایران با پرتغال در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه سبب شد تا مفسر انگلیسی بازی، ایران را شایسته پیروزی و فوتبال ایست های ایرانی را برای بیننده های پرشمار این مسابقه با هویت و منسجم تفسیر کند. حضور قریب به یک دهه والیبال ایران در لیگ جهانی، حضور بسکتبال در المپیک ۲۰۲۰ توکیو در کنار موفقیت های داوران و مربیان ایرانیان از جمله قضاوت علیرضا فغانی در فینال المپیک ۲۰۱۶، همچنین نقش کلیدی کشورمان در منطقه و جهان، جمهوری اسلامی ایران می تواند از ورزش به عنوان ابزاری به نسبت کم هزینه تر و در عین حال جذاب تر در تحقق اهداف و منافع سیاسی خود استفاده کند. بررسی پیشینه ها نشان می دهد تاکنون تحقیقی به صورت متمرکز

راهبردهای مؤثر بر توسعه دیپلماسی عمومی از طریق ورزش را ارزیابی نکرده است.

با توجه به اهمیت دیپلماسی عمومی و نقش ورزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به این نوع دیپلماسی، همچنین تعداد محدود تحقیقات در این زمینه و رسیدن به دیدگاهی جامع، پژوهش حاضر انجام پذیرفت. محقق امیدوار است نتایج این پژوهش بتواند در راستای تدوین سیاست‌گذاری‌های ایران در زمینه ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی ثمربخش باشد تا ضمن تبیین جایگاه ورزش در توسعه تعاملات امروز جامعه جهانی برای شناسایی راهبردهای مؤثر بر دیپلماسی عمومی ایران، پیامدهای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش را کشف کرده و توجه تصمیم‌گیران سیاسی ایران را به مقوله ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک جلب کند و دست‌اندرکاران را در برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی در خصوص تمام جنبه‌های ورزش یاری رساند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی است و به روش تحقیق داده‌بنیاد به انجام رسیده است. جامعه آماری تحقیق به صورت هدفمند و منتخب از میان اعضای نخبگان، متخصصان و سیاست‌گذاران در موضع ورزش است، که این متخصصان از میان استادان حوزه مدیریت ورزشی و محققان حیطه دیپلماسی ورزشی، همچنین افرادی که دارای پست‌های رده‌بالا در وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه برگزیده شدند و مورد مصاحبه کیفی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش نمونه‌گیری هدفمند است و تا مرحله اشباع نظری مفاهیم، یعنی تا حدی که بینش و بصیرتی جدید به‌زعم تشخیص و دسته‌بندی محقق حاصل نیاید، پیش رفت (مصاحبه با ۱۷ نفر). ابزار تحقیق مصاحبه‌های کیفی نیمه‌سازمان‌یافته (باز

و انعطاف‌پذیر) است. در این روش تحقیق آزمایش و اعتبارسنجی هیچ فرضیه‌ای از پیش تعیین نمی‌شود و پژوهشگران کیفی، مسئولیت و نقش تفسیر داده‌ها مبتنی بر تکرارپذیری مقوله‌ای و بسامد بیشتر مقولات و تفسیر دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها را بر عهده می‌گیرند.

روایی در پژوهش کیفی، بیشتر بر صحت داده‌ها (روایی درونی) تأکید دارد تا معنایی که در مطالعات کمی به کار می‌رود. اگر مصاحبه‌شوندگان (مشارکت‌کنندگان در پژوهش) یافته‌های پژوهش را تأیید کنند، می‌توان از روایی پژوهش بیشتر مطمئن شد. در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قرار دادن آنها در مسیر پژوهش به‌طوری که بر نحوه پاسخگویی آنها تأثیر نگذارد، به‌منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به‌دست‌آمده تا آن مرحله ارائه شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار گرفت. این کار پس از انجام مصاحبه انجام گرفت تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام گیرد. از آنجا که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست.

در پژوهش حاضر سه مصاحبه از میان مصاحبه‌ها انتخاب شد و یکی از پژوهشگران در فاصله یک ماه آن را کدگذاری کرد. نتایج نشان می‌دهد که تعداد کل کدها در این سه مصاحبه برابر با ۱۹ مورد و تعداد توافق برابر ۷ است. بنابر رابطه درصد توافق درون‌موضوعی برابر است با ۷۳/۰ که مناسب است.

جدول ۱. درصد توافق درون موضوعی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	پایایی
۳	۵	۲	۰/۸۰
۷	۶	۲	۰/۶۶
۱۲	۸	۳	۰/۷۵
مجموع	۱۹	۷	۰/۷۳

یافته‌های تحقیق

ابتدا در جدول ۲ اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان درج می‌شود، سپس به مراحل کدگذاری اطلاعات می‌پردازیم.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۴	۰/۸۲
	زن	۳	۰/۱۸
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۳	۰/۱۸
	دکتری	۱۴	۰/۸۲
تخصص	استاد دانشگاه حوزه علوم ورزشی	۸	۰/۴۶
	مقامات عالی‌تر ورزش کشور	۳	۰/۱۸
	استاد دانشگاه حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی	۳	۰/۱۸
	ورزشکاران نخبه	۳	۰/۱۸

پژوهشگر در مرحله کدگذاری باز و با کدگذاری براساس پاراگراف، تعداد ۷۹ مفهوم اولیه را استخراج کرد و بعد از ویرایش تعداد ۶۰ مفهوم اولیه به‌عنوان مفاهیم نهایی استخراج شد، این کدهای اولیه در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مفاهیم تولیدشده در مرحله کدگذاری باز نظریه داده‌بنیاد

• کسب ثروت	• هماهنگی بین سیاست‌های کشور و سیاست‌های عمومی
• بهبود وضعیت شغل	• ارتقای فرهنگ شفافیت سیاست‌گذاری
• شکوفایی اقتصادی	• داشتن صداقت عمومی دولت‌ها
• برجسته‌سازی توان اقتصادی	• مشارکت افراد در تصمیم‌گیری
• کمک به ثبات اقتصادی	• روابط بین نهادهای فرهنگی و آموزشی
• حفظ میراث بومی و ورزشی	• پیوند فکری و اجتماعی آحاد مردم
• مبارزه با افراط‌گرایی	• توسعه گردشگری ورزشی
• کاهش خشونت جهانی	• توسعه صادرات خدمات و محصولات ورزشی
• تقویت روحیه جوانمردی	• ترغیب سرمایه‌گذاری ورزشی
• یادگیری فرهنگ مشارکت عمومی	• تقویت زیرساخت‌های ورزشی

ادامه جدول ۳. مفاهیم تولیدشده در مرحله کدگذاری باز نظریه داده‌بنیاد

• گسترش روابط افراد مهم دولت‌ها	• رشد اقتصاد داخلی ورزش
• انتقال مفاهیم اخلاقی	• تعهد اجتماعی
• ارتقای جامعه‌پذیری افراد	• هنجارپذیری
• تبادل فرهنگ‌های بومی	• شور و اشتیاق ملی
• توسعه و نوسازی دولت‌ها	• روابط اجتماعی
• کاهش کلیشه‌های سیاسی	• روحیه کار گروهی
• غرور ملی	• بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی
• مقبولیت سیاسی دولت	• تنظیم سند همکاری بین وزارت ورزش و وزارت امور خارجه
• نمایش استقلال ملی	• تدوین برنامه‌های راهبردی در ارتقای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش
• افزایش ارتباطات بین‌المللی	• برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین وزارتخانه‌های مرتبط
• برندسازی ملی	• آموزش و تقویت مفاهیم مرتبط با دیپلماسی عمومی از طریق ورزش
• مبارزه با انزوای سیاسی	• معرفی دیپلماسی عمومی از طریق ورزشی به‌صورت فراحکومتی
• منزلت بین‌المللی	• تعامل سازمان‌های ورزشی و رسانه‌ها
• صلح و دوستی	• در اختیار قرار دادن اطلاعات ورزشی به زبان‌های مختلف
• وحدت اجتماعی	• تقویت فضای مجازی در راستای آشنایی با ورزش ملی
• ایجاد سرمایه اجتماعی	• استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی
• حل اختلافات قومی	• ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری
• حل اختلافات مذهبی	• تأکید بر نظرخواهی و مشارکت مردم
• پویایی جامعه	• کانال‌های متعدد ارتباطی
• بهبود فرهنگ پاسخگویی	• اعتبارسازی در مجامع بین‌المللی

متمرکز یا ثانویه، مجدداً تجزیه و تحلیل شدند. نتیجه این تحلیل تولید ۷ مقوله عمده بود. این موارد به‌همراه هر کدام از مفاهیم و ریزمفاهیم مرتبط در جدول ۴ به نمایش درآمدند.

براساس یافته‌ها سه مقوله توانمندسازی، شبکه‌های ارتباطی، پیشران‌های عمومی به‌عنوان راهبرد دیپلماسی عمومی از طریق ورزش شناسایی شد و پیامدهای نقش ورزش در تبیین دیپلماسی عمومی ایران عبارت از کارکرد اقتصادی، کارکرد فرهنگی، کارکرد سیاسی، توسعه اجتماعی است.

در مرحله اول تلاش بر این بوده است نکات کلیدی و مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان استخراج شود که در نهایت محقق، پس از حذف موارد مشابه به ۶۰ مفهوم در جدول ۳ رسید. در مرحله کدگذاری مفهومی، مقوله‌های عمده براساس ابعاد دسته‌بندی شد. در این مرحله مفاهیم تولیدشده به‌صورت منطقی و تحلیلی به‌دنبال هم فهرست‌وار آورده شده است. کدهای به‌دست‌آمده در مرحله اول در قالب ۱۵ مفهوم انتزاعی‌تر کدگذاری شدند. همچنین مفاهیمی که در مرحله کدگذاری اولیه استخراج شدند، به‌منظور تشکیل مقوله‌های عمده در مرحله کدگذاری

جدول ۴. نحوه شکل‌گیری مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از نظریه داده‌بنیاد

مقولات اصلی	مفهوم‌ها	کدهای باز
توانمندسازی	قانون‌گذاری	۱. بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی
		۲. تنظیم سند همکاری بین وزارت ورزش و وزارت امور خارجه
		۳. تدوین برنامه‌های راهبردی در ارتقای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش
	آموزش	۴. برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین وزارت خانه‌های مرتبط
		۵. آموزش و تقویت مفاهیم مرتبط با دیپلماسی عمومی از طریق ورزش
		۶. معرفی دیپلماسی عمومی از طریق ورزشی به‌صورت فراحکومتی
شبکه‌های ارتباطی	فناوری‌های نوین	تعامل سازمان‌های ورزشی و رسانه‌ها
		۷. در اختیار قرار دادن اطلاعات ورزشی به زبان‌های مختلف
		۸. تقویت فضای مجازی در راستای آشنایی با ورزش ملی
	ارتباطات متقابل	۹. استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی
		۱۰. تأکید بر نظرخواهی و مشارکت مردم
		۱۱. کانال‌های متعدد ارتباطی
پیشران‌های عمومی	اعتماد عمومی	۱۲. اعتبارسازی در مجامع بین‌المللی
		۱۳. ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری
		۱۴. هماهنگی بین سیاست‌های کشور و سیاست‌های عمومی
	صداقت در رفتار	۱۵. ارتقای فرهنگ شفافیت سیاست‌گذاری
		۱۶. داشتن صداقت عمومی دولت‌ها
		۱۷. بهبود فرهنگ پاسخگویی
کارکرد اقتصادی	روابط فرهنگی	۱۸. مشارکت افراد در تصمیم‌گیری
		۱۹. روابط بین نهادهای فرهنگی و آموزشی
		۲۰. پیوند فکری و اجتماعی آحاد مردم
	اقتصاد ورزش	۲۱. توسعه گردشگری ورزشی
		۲۲. توسعه صادرات خدمات و محصولات ورزشی
		۲۳. ترغیب سرمایه‌گذاری ورزشی
کارکرد فرهنگی	اقتصاد ملی	۲۴. تقویت زیرساخت‌های ورزشی
		۲۵. رشد اقتصاد داخلی ورزش
		۲۶. کسب ثروت
	آگاه‌سازی عمومی	۲۷. بهبود وضعیت شغل
		۲۸. شکوفایی اقتصادی
		۲۹. برجسته‌سازی توان اقتصادی
	آگاه‌سازی عمومی	۳۰. کمک به ثبات اقتصادی
		۳۱. حفظ میراث بومی و ورزشی
		۳۲. مبارزه با افراط‌گرایی
		۳۳. کاهش خشونت جهانی
		۳۴. تقویت روحیه جوانمردی

۳۵. یادگیری فرهنگ مشارکت عمومی	
۳۶. گسترش روابط افراد مهم دولت‌ها	
۳۷. انتقال مفاهیم اخلاقی	گردش اطلاعات
۳۸. ارتقای جامعه‌پذیری افراد	
۳۹. تبادل فرهنگ‌های بومی	
۴۰. توسعه و نوسازی دولت‌ها	
۴۱. کاهش کلیشه‌های سیاسی	
۴۲. غرور ملی	سیاست داخلی
۴۳. مقبولیت سیاسی دولت	
۴۴. نمایش استقلال ملی	
۴۵. افزایش ارتباطات بین‌المللی	کارکرد سیاسی
۴۶. برندسازی ملی	
۴۷. مبارزه با انزوای سیاسی	سیاست خارجی
۴۸. منزلت بین‌المللی	
۴۹. صلح و دوستی	
۵۰. وحدت اجتماعی	
۵۱. ایجاد سرمایه اجتماعی	همبستگی
۵۲. حل اختلافات قومی	
۵۳. حل اختلافات مذهبی	
۵۴. پویایی جامعه	
۵۵. تعهد اجتماعی	توسعه اجتماعی
۵۶. هنجار‌پذیری	
۵۷. شور و اشتیاق ملی	مشارکت عمومی
۵۸. روابط اجتماعی	
۵۹. روحیه کار گروهی	

بحث و نتیجه‌گیری

منسجمی در قالب دیپلماسی ورزشی تکوین نشده است.

از این رو ضرورت دارد تا با در نظر گرفتن توانایی‌ها و پتانسیل بالای جمهوری اسلامی ایران، استراتژی مدون و تأثیرگذاری برای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش ارائه شود. این استراتژی باید به گونه‌ای طراحی گردد که برای برقراری ارتباط با مخاطبان خارجی از تمامی منابع قدرت نرم و شیوه‌های مشخص بهره گیرد. همچنین الزامات دیپلماسی عمومی از طریق ورزش باید به این مسیر منتهی شود تا نهادی در قالب دستگاه دیپلماسی و سیاست

امروزه تلاش دولت‌ها در قالب برنامه‌هایی برای برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بر مخاطب عام در چارچوب دیپلماسی عمومی از طریق ورزش مشهود است تا با استفاده از آن به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مدنظر خود دست یابند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی که با استفاده از قدرت نرم خود در جهان و منطقه می‌تواند تأثیر زیادی بر مخاطبان جهانی خود داشته باشد. با این حال هرچند گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است، اما هنوز برنامه

خارجی، عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش باشد و سایر نهادها نقش مکمل را برای این نهاد بازی کنند. از این‌رو، این پژوهش با هدف شناسایی راهبردهای مؤثر بر توسعه دیپلماسی عمومی ایران از طریق ورزش و پیامدهای آن، انجام گرفت. در این قسمت به شرح هر کدام از این مقولات عمده خواهیم پرداخت و ضمن توصیف هریک، دامنه‌ای از مفاهیم آنها را نیز مشخص می‌کنیم. بر اساس یافته‌های پژوهش راهبردهای مؤثر بر نقش ورزش در تبیین دیپلماسی عمومی ایران عبارت است از: توانمندسازی، شبکه‌های ارتباطی و پیشران‌های عمومی.

- توانمندسازی؛ از دو طریق می‌توان توانمندسازی را محقق ساخت. نخست، بحث قانون‌گذاری است. در واقع با بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی، تنظیم سند همکاری بین وزارت ورزش و وزارت امور خارجه و تدوین برنامه‌های راهبردی در ارتقای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش می‌توان به این هدف رسید. راهکار دوم، توانمندسازی بحث آموزش است. این کار را از طریق برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین وزارتخانه‌های مرتبط، آموزش و تقویت مفاهیم مرتبط با دیپلماسی عمومی از طریق ورزش و معرفی دیپلماسی عمومی از طریق ورزشی به صورت فراحکومتی باید دنبال کرد.

- شبکه‌های ارتباطی؛ برای تحقق توانمندسازی باید به شبکه‌های ارتباطی (فناوری‌های نوین و ارتباطات متقابل) توجه داشت. دیپلماسی عمومی سبب تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی می‌شود و عواملی مانند شکل‌دهی به افکار عمومی در سایر کشورها، تعامل میان منافع گروه‌های خصوصی در کشوری دیگر، برقراری ارتباط میان دیپلمات‌ها و ایجاد تبادلات فرهنگی کشورهای مختلف می‌شود (۳). از جمله راهکار فناوری‌های نوین تعامل سازمان‌های ورزشی و

رسانه‌ها، در اختیار قرار دادن اطلاعات ورزشی به زبان‌های مختلف و تقویت فضای مجازی در راستای آشنایی با ورزش ملی است. همچنین باید بر استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی، نظرخواهی، مشارکت مردم و کانال‌های متعدد ارتباطی در راستای ارتباطات متقابل تأکید داشت.

- پیشران‌های عمومی؛ راهکار نهایی برای بهبود دیپلماسی عمومی از طریق ورزش استفاده از پیشران‌های عمومی است. راه رسیدن به این هدف از طریق اقداماتی است که به اعتماد عمومی و صداقت در رفتار منجر می‌شود. بنابراین با اعتبارسازی در مجامع بین‌المللی، ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری و هماهنگی بین سیاست‌های کشور و سیاست‌های عمومی، اعتماد عمومی را باید ایجاد کرد. همچنین با ارتقای فرهنگ شفافیت سیاست‌گذاری، داشتن صداقت عمومی دولت‌ها و بهبود فرهنگ پاسخگویی می‌توان به صداقت در رفتار فائق آمد. در کنار عوامل ذکر شده باید روابط فرهنگی را حفظ کرد. از این‌رو مشارکت افراد در تصمیم‌گیری و روابط بین نهادهای فرهنگی و آموزشی سبب پیوند فکری و اجتماعی آحاد مردم می‌شود و روابط فرهنگی شکل می‌گیرد که با نتایج پژوهش چناری (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیامدهای نقش ورزش در تبیین دیپلماسی عمومی ایران عبارت است از کارکرد اقتصادی، کارکرد فرهنگی، کارکرد سیاسی و توسعه اجتماعی. میلمو^۱ نیز (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی می‌تواند در دستیابی به منافع ملی استفاده شود. دیپلماسی ورزشی می‌تواند به عنوان بخشی از ایجاد هویت برای یک کشور شناخته شود.

- کارکرد اقتصادی دیپلماسی عمومی از طریق ورزش به توسعه گردشگری ورزشی، توسعه صادرات خدمات و محصولات ورزشی، ترغیب سرمایه‌گذاری ورزشی، تقویت

زیرساخت‌های ورزشی، ایجاد اشتغال و رشد اقتصاد داخلی ورزش برمی‌گردد. همچنین می‌تواند موجب کسب ثروت، شکوفایی اقتصادی، برجسته‌سازی توان اقتصادی و کمک به ثبات اقتصادی شود که در نهایت سبب شکل‌دهی اقتصاد ملی می‌شود.

ورزش موجب توسعه پایدار کشورها می‌شود و بروندهای اقتصادی را افزایش می‌دهد. هر کشوری که میزبانی رویدادهای ورزشی را عهده‌دار می‌شود. با استفاده از امتیاز میزبانی می‌تواند درصد جزیی از مسائل و مشکلات اقتصادی خود را برطرف کند و با پیشرفت اقتصادی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد. برای مثال کشورهای بریک (برزیل، چین، روسیه و هند) از میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی نیز به‌عنوان یکی از منابع راهبردی توسعه روابط دیپلماتیک استفاده می‌کنند.

- دیپلماسی عمومی از طریق ورزش دارای کارکرد فرهنگی نیز است؛ به این شکل که با آگاه‌سازی عمومی، حفظ میراث بومی و ورزشی، مبارزه با افراط‌گرایی، کاهش خشونت جهانی و تقویت روحیه جوانمردی سروکار دارد. همچنین موجب گردش اطلاعات می‌شود و عواملی مانند یادگیری فرهنگ مشارکت عمومی، گسترش روابط افراد مهم دولت‌ها، انتقال مفاهیم اخلاقی، ارتقای جامعه‌پذیری افراد و تبادل فرهنگ‌های بومی را تشکیل می‌دهد. این نتیجه با نتایج پژوهش پیگمن (۲۰۱۵) و راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۶) همخوانی دارد.

- دیپلماسی عمومی در بعد سیاسی هم دارای پیامدهایی است. در سیاست بین‌المللی، ورزش می‌تواند به‌عنوان یک فرایند دیپلماسی عمومی نقش بسزایی داشته باشد (۲۴). این پدیده می‌تواند سیاست داخلی (توسعه و نوسازی دولت‌ها، کاهش کلیشه‌های سیاسی، غرور ملی، مقبولیت سیاسی دولت، نمایش استقلال ملی) و سیاست خارجی (افزایش ارتباطات بین‌المللی، برندسازی ملی،

مبارزه با انزوای سیاسی، منزلت بین‌المللی، صلح و دوستی) را توسعه دهد که نتایج با پژوهش‌های فولرتون و همکاران (۲۰۱۸) و میشل (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

- در خصوص پیامدهای اجتماعی ورزش می‌تواند موجب وحدت اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی شود و اختلافات قومی و مذهبی را برطرف سازد. از این‌رو دیپلماسی ورزش به فهم بهتر روابط بین‌الملل و صلح و دوستی کمک می‌کند و کلیشه و تعصب را از بین می‌برد (۲۰). در بخشی دیگر سبب مشارکت عمومی می‌شود و به پویایی جامعه کمک می‌کند. به تبع تعهد اجتماعی، هنجارپذیری، شور و اشتیاق ملی و روابط اجتماعی نیز بهبود می‌یابد که با پژوهش‌های جوی و همکاران (۲۰۱۹) و باقری و قدیمی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. بنابراین، با توجه به بین‌المللی شدن ورزش و اهمیت یافتن قدرت نرم در روابط بین کشورها این امر باعث شده است که ورزش به‌عنوان ابزار اعمال قدرت نرم در عرصه بین‌الملل پدیدار شود. برخلاف سایر کشورها مانند برزیل، روسیه، چین و حتی کشورها مجاور مانند ترکیه که از ورزش برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی بهره می‌برند، سیاستمداران عرصه روابط بین‌الملل کشور ما همچنان ادراک ورزشی مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به‌طور کلی موقعیت ورزشی ایران ندارند. از یک سو نبود ارتباط میان دو بخش دستگاه دیپلماسی و فعالان ورزشی و از سوی دیگر نبود افراد متخصص در حوزه ورزش موجب از دست رفتن فرصت‌های کم‌هزینه دیپلماتیک برای تقویت دیپلماسی عمومی شده است. متأسفانه به دلیل عدم ارتباط بخش دیپلماسی و سیاسی با بخش ورزش هیچ‌وقت از این فرصت‌ها استفاده نشده است. از این‌رو در فضای پرفشار تحریم‌های ظالمانه دولت ایالات متحده، ورزش ایران می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای تسهیل و تقویت روابط با سایر کشورها از جمله کشورهای همسایه و اروپایی به کار رود تا

علاوه بر تقویت تعاملات ورزشی در عرصه بین الملل، ایران را به عنوان کشوری با پتانسیل بالا در جهت تعامل سازنده و محترمانه در جهان مطرح شود. به نظر می رسد در برهه کنونی، افزایش شناخت، آگاهی و ادراک تصمیم گیران سیاسی در کنار علاقه مندی آنها به رشته های ورزشی و جایگاه ورزش جمهوری اسلامی ایران در جهان می تواند آنها را ترغیب کند تا برنامه ای خاص و استراتژیک برای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش در وزارت خارجه داشته باشند.

با تعامل دوطرفه بین وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه و همچنین تشکیل جلسات آموزشی و پژوهشی برای مدیران ارشد این حوزه (مانند رؤسای کمیته های امور بین المللی فدراسیون ها و...) می توان از پتانسیل وزارتخانه های ذی ربط و حتی سفارتخانه ها در حوزه ورزش و دیپلماسی ورزشی برای رسیدن به اهداف بین المللی استفاده کرد و به عنوان راهکاری برای خروج از بن بست ها و بحران های سیاسی و شرایط حساس دیپلماتیک جهان امروز از آن بهره جست.

به طور کلی با توجه به یافته های تحقیق می توان گفت در عصری که تبلیغات منفی کشورهای متخاصم در همه امور علیه کشور ایران صورت گرفته است و عامه مردم نیز تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته اند، یکی از بهترین روش ها برای تغییر دیدگاه و ذهنیت مردم که عنصر اصلی دیپلماسی عمومی را تشکیل می دهند، استفاده بهینه از ورزش برای برقراری ارتباطات خارجی و حمایت همه جانبه از ورزشکاران ایرانی برای حضور موفقیت آمیز در میادین بین المللی با هدف ترسیم چهره مثبتی از ایران در جهان و خنثی کردن تبلیغات منفی دشمنان و توجه ویژه به تبادلاتی است که در سایه ورزش رخ می دهد. کشور ایران می تواند با در نظر گرفتن مؤلفه های استخراج شده در این پژوهش راهکارهای جدیدی را در برقراری دیپلماسی

عمومی از طریق ورزش با همکاری سازمان های متولی این امر اشاعه دهد تا ضمن پاسخ به جنگ روانی دشمن علیه کشور ایران، زمینه را برای تغییر دیدگاه مردم دیگر کشورهای فراهم سازد. از این منظر ورزش و دیپلماسی با سایر بخش های اجرایی کشور پیوند نزدیکی خواهند داشت. برای مثال، همکاری سازمان های گردشگری و ورزشی با یکدیگر، ضمن کاهش تنش های سیاسی بین کشورها، تعاملات مثبت فرهنگی و معرفی سرزمین ایران در قالب ورزش را در پی دارد. نکته دیگر این است که دیپلماسی عمومی از طریق ورزش و در پی آن بهبود روابط با کشورهای خارجی، کشور ایران را از حالت انزوا دور کرده و فرصت سرمایه گذاری در عرصه های ورزشی و غیرورزشی را افزایش می دهد که خود توسعه اقتصاد کشور را که از مؤلفه های مثبت دیپلماسی عمومی از طریق ورزش است، رقم می زند.

در پایان با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادهایی برای تحقق دیپلماسی عمومی از طریق ورزش ارائه می شود:

- ادبیات سازی (تهیه مقالات، کتاب ها و ...) در کنار گفتمان سازی (برگزاری هم اندیشی، کارگاه سخنرانی و ...) برای شناخت هرچه بیشتر سیاستیون از ورزش؛
- تبدیل رایزنی های فرهنگی و تبادلات فرهنگی بین کشورها در مسابقات ورزشی به عاملی در ایجاد صلح بین الملل با رویکرد فرهنگ سازی؛

- الگوبرداری جریان های سیاسی از کشورهای موفق برای ایجاد زمینه صلح در بین کشورها؛
- ایجاد روابط مناسب با کشورهای منطقه برای سرمایه گذاری آنها در پروژه های ورزشی در کشور؛
- تقویت گردشگری ورزشی و افزایش ارتباطات اجتماعی و میان فرهنگی در رویدادهای ورزشی و تبادل بازیکن، مربی و ...

منابع و مآخذ

۱. بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت و توسعه ورزش. شناسه دیجیتال: DOI: 10.22124/jsmd.2019.12744.1983.
۲. جوادی‌پور، محمد؛ راسخ، نازنین. (۱۳۹۸). «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، ش ۲، ص ۲۱۹-۲۳۴.
۳. حسینی، سید محمدحسین. (۱۳۹۲). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه)». فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وهفتم، ش ۳، ص ۱-۲۷.
۴. دوستی، مرتضی. (۱۳۹۱). علل ورود سیاسیون به ورزش، رساله دکتری دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران.
۵. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، دوره ۱، ش ۲۹، ص ۱۴۸-۱۲۵.
۶. شریعتی، مهدی؛ گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). «مدلسازی ساختاری (SEM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران»؛ رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۵، ش ۱۶، ص ۸۹-۱۰۴.
۷. صباغیان، علی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزش»، مطالعات فرهنگی - ارتباطات، سال شانزدهم، ش ۳۱، ص ۱۵۰-۱۳۲.
۸. یوسفی اردبیلی، فرهاد. (۱۳۹۷). نقش دیپلماسی ورزشی در دیپلماسی سیاست خارجی کشور، چهارمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران، ص ۱-۲۷.
9. Amirtash, A. M., (2005). "Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East". Sport in Society. 8(3): 449-467.
10. Donos, m. (2012). "Communicating Sport Mega-Events and Soft Power Dimension of Public Diplomacy". Ottawa: university of Ottawa. pp1-135
11. Elena, G., Aristide, D. (2016). "The Role Of Public Diplomacy In International Relations In Full Process Of Globalization". Economic Series. (2): 125-141
12. Fullerton, J., Abdi, K., Talebpour, M., Ranjesh, M., Nooghabi, H. (2018). "Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: introducing a sport diplomacy model. Article resue guideline". International area studies review. pp: 1-17.
13. Govindan, K., Azevedo, S. G., Carvalho, H., Cruz-Machado, V. (2015). "Lean, green and resilient practices influence on supply chain performance: interpretive structural modeling approach". International Journal of Environmental Science and Technology. 12(1): 1534.
14. Grix, J., Houlihan, B. (2014). "Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012)". The British Journal of Politics & International Relations. 16(4): 572-596.
15. Levermore, R., Beacom, A. (2012). "Reassessing sport-for-development: moving beyond 'mapping the territory". International journal of sport policy and politics. 4(1): 125-137.
16. Marlene, A., Dixon, A. J., Anderson, R. E., Pamela, H. B., Craig, E. (2019). "Management in sport for development: examining the structure and processes of a sport diplomacy

- initiative". International Journal of Sport Management and Marketing (IJSMM), 19(4): 268-292.
17. Michał, M.K. (2017). "Sports Diplomacy Of Norway". International Studies Interdisciplinary Political AND Cultural Journal, 20(1): 131-146
 18. Milimu, E. B. (2016). "The Role Of Sports Diplomacy IN African International Relations: The Case Of Kenya". University Of Nairobi, College Of Humanities AND Social Sciences, Institute Of Diplomacy AND International Studies. 1-87
 19. Min, D., Choi, Y. (2019). "Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea". Sport in Society, 22(8), pp: 1382-1395
 20. Murray, S., Pigman, G. A. (2014). "Mapping the relationship between international sport and diplomacy". Sport in Society. 17(9): 1098-1118.
 21. Nye, J. S. (2004). "Soft Power. The Means to Success in World Politics". New York: Public Affairs. 2:1-192
 22. Pamment, J. (2014). "The 2012 Olympics and Its Legacies: State, Citizen, and Corporate Mobilizations of the Olympic Spirit". International Journal of Communication, pp: 8- 19.
 23. Pigman, G. A. (2015). "International Sport and Diplomacy's Public Dimension: Governments, Sporting Federations and the Global Audience". Diplomacy & Statecraft. 25(1): 94-114.
 24. Plino, J. Alton, R. (1996). "Culture of International Relations", translation by Hassan Posta. Tehran. Contemporary Culture Publications. ۱-۵۴۰ (Persian)
 25. Postlethwaite, V. Grix, J. (2016). "Beyond the acronyms: Sport diplomacy and the classification of the International Olympic Committee." Diplomacy & statecraft, 2(27): 295-313.

Identifying Strategies Affecting Iran Public Diplomacy through Sport and Its Consequences

Maryam Hosseini Asgarabadi¹ - Sedigheh Heydarinejad^{*2} - Farshad Roomi³ - Seyed Hossei Marashian⁴

1. Ph.D. Student of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran 2. Professor, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran 3. Assistant Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran 4. Assistant Professor, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran

(Received: 2020/06/01; Accepted: 2020/10/24)

Abstract

Today, sport has a close relationship with politics and has become a matter of international relations. Therefore, this study was conducted with the aim of identifying those strategies affecting Iran public diplomacy through sport and its consequences. The present study had a qualitative approach and the required data were collected using semi-structured interviews. The statistical population consisted of experts in public diplomacy and sport including sport management professors (n=8), professors of international relations and political sciences (n=3), high-ranking sport officials (n=3) and elite athletes (n=3). The sample was selected by purposive sampling method. Data were collected by the study of previous researches and in-depth open interviews. To assess credibility, transfer, and verifiability, the participants were provided with the findings of the study; they examined the text of the theory and their viewpoints were applied. The method used for reliability was an inter-rater reliability method. The average of this agreement was 0.73. Based on the findings of the semi-structured interview, the most important strategies affecting the role of sport in explaining Iran public diplomacy included empowerment, communication networks and public propulsion. Finally, the consequences of the role of sport in explaining public diplomacy in Iran included economic function, cultural function, political function and social development. The managers are therefore recommended to use sport as a key and strategic tool to internationally enhance relations and gain power and economic prosperity, to boost development and promotion of cultural policies.

Keywords

Iran, public diplomacy, soft power, sport.

* Corresponding Author: Email: heydari_s@scu.ac.ir; Tel: +989161112820